

## معرفی و بررسی نسخه خطی شمع و پروانه میرعسکرعلی عاقل‌خان رازی<sup>۱</sup>

دکتر سوسن فیضی گیلانده<sup>۲</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند

### چکیده

میرعسکرعلی عاقل‌خان رازی (۱۱۰۸ق) شاعر، نویسنده، مورخ و صاحب‌منصب فارسی‌زبان هند، در اورنگ‌آباد دکن متولد شد. او مثنوی شمع و پروانه را که به «پدماوت» و «سوزوگداز» نیز شهرت دارد و از منظومه‌های عاشقانه‌ای است که به سستی‌نامه‌ها معروف‌اند، در سال ۱۰۶۹ق سروده است. در این مقاله، عاقل‌خان رازی و تنها نسخه خطی موجود در ایران از مثنوی او که دومین ترجمه به زبان فارسی از «پدماوت» ملک‌محمد جائسی است، معرفی و بررسی شده است. روش پژوهش در این مقاله، توصیفی تحلیلی است. این مثنوی در ۲۳ عنوان تنظیم شده و تلمیحات قرآنی، عربی، ایرانی، کنایه‌های فارسی و تکرار آن‌ها در منظومه قابل توجه است. تأثیرپذیری عاقل‌خان رازی از عاشقانه‌های نظامی، از یافته‌های تحقیق است. این اثر تاکنون در ایران چاپ نشده و شش نسخه از آن در کتابخانه‌های هند و یک نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

### واژه‌های کلیدی

عاقل‌خان رازی، ادب غنایی، نسخه خطی، مثنوی شمع و پروانه.

## ۱. مقدمه

وجود نسخه‌های خطی پرشمار از آثار شاعران و نویسندگان ایرانی و شرح‌های بسیاری که بر آثار آن‌ها از جمله نظامی و جامی در هند نوشته شده، نفوذ و گسترش زبان فارسی در شبه‌قاره را نشان می‌دهد. توجه به نسخه‌های خطی، شناسایی، معرفی و حفظ آن‌ها که بخش عمده‌ای از تاریخ، فرهنگ، روابط اجتماعی، سیاسی، عواطف و احساسات و مسائل اعتقادی و جهان‌بینی ملت‌ها را در خود دارد، یکی از راه‌های انتقال این مفاهیم از نسلی به نسل دیگر است. این نسخه‌ها در میان همه ملت‌ها از اهمیت و ارزش والایی برخوردارند و تصحیح و چاپ آن‌ها به روشن شدن بخش‌هایی از متون و شناسایی صاحبان آن‌ها می‌انجامد که در طول تاریخ به فراموشی سپرده شده است.

اهمیت شناخت و تصحیح نسخه‌های خطی به‌حدی است که دیچز (Daiche)، کتاب‌شناسی و نقد و تصحیح متون را مقدم بر نقد می‌داند (دیچز، ۱۳۷۹: ۵۰۲). در ایران نیز توجه به این نسخه‌ها و تصحیح آن‌ها یکی از کارهای پژوهشی مهم و بسیار سختی است که در دانشگاه‌ها به‌عنوان پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دکتری انجام می‌شود. «از مهم‌ترین مباحث نقد ادبی تصحیح متون است که آن را نقد متون نیز می‌گویند. هدف و غایت نقد و تصحیح متون این است که از روی نسخ خطی موجود، نسخه اصلی یا قریب به اصل را احیا و مرتب و مدون کنند و آن را به‌صورتی عرضه دارند که بتوان یقین و اطمینان حاصل کرد که اگر اصل اثر، یعنی نسخه خط مؤلف در دست نیست، نسخه‌ای در دست هست که به‌صورت اصلی و شکلی که مصنف و مؤلف اصل نوشته است، به نهایت درجه نزدیک است» (زرین‌کوب، ۱۳۵۴: ج ۱، ۹۳-۹۴).

در ایران، سستی‌نامه‌ها<sup>۱</sup> خیلی شناخته‌شده نیستند و به نظر می‌رسد شناسایی، معرفی و چاپ آن‌ها که به زبان فارسی و بخشی از ادبیات غنایی است، ضرورت دارد. دربارهٔ مثنوی شمع و پروانه و نسخه خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی که مربوط به قرن

سبزه است، تاکنون مطلبی چاپ نشده است. در این مقاله، منظومه عاشقانه شمع و پروانه و شاعر آن معرفی و بررسی خواهد شد. این مثنوی یکی از سستی‌نامه‌های نوشته‌شده در هند است که تنها نسخه خطی موجود در ایران به شمار می‌رود و در قرن سبزه کتابت شده است. بعضی از صفحات این نسخه به دلیل پارگی یا از بین رفتن خطوط، خوانا نیست. در بعضی از صفحات نیز برخی ابیات تکراری است؛ در مواردی هم در بیت‌ها قافیه رعایت نشده که احتمال می‌رود اشتباه از کاتب نسخه باشد نه خود شاعر.

#### ۱-۱. پیشینه تحقیق

در اغلب تذکره‌ها و کتاب‌ها از جمله *ریاض‌الشعرا* (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ج ۲، ۸۸۷)، *سفینه خوشگو* (خوشگو، ۱۹۵۹: ج ۲، ۱۳)، *شمع انجمن* (نواب صدیق، ۱۳۸۶: ۲۶۹)، *کلمات‌الشعرا* یا *تذکره سرخوش* (سرخوش، ۱۹۳۲: ۴۰)، *تذکره مرآة‌الخیال* (لودی، ۱۳۷۷: ۲۰۵)، *دانشنامه ادب فارسی* (ج ۴)، منظومه‌های عاشقانه خزان‌دارلو (خزان‌دارلو، ۱۳۷۵: ۶۳-۶۲) و مقدمه پدماوت امیرحسن عابدی (بزمی، ۱۳۵۰: مقدمه) درباره عاقل خان رازی و آثارش مطالبی آمده است. دیوان عاقل خان رازی خوفا را «محمدامین عامر» تصحیح و با ویراستاری و مقدمه‌نویسی علیرضا قزوه (عامر، ۱۳۸۸: مقدمه قزوه) در دهلی نو چاپ کرده است. این کتاب مقدمه مبسوطی درباره شاعر، آثار و شیوه شاعری او دارد. پایان‌نامه دکتری محمدامین عامر نیز با عنوان *احوال و آثار عاقل خان رازی مورخ و شاعر نامور به عهد عالمگیر*، به سال ۱۹۹۶م در دانشگاه کلکته دفاع شده که در سال ۲۰۰۵ به چاپ رسیده است. در مقاله «نقد و بررسی کتاب واقعات عالمگیر» (اکبری بنگر و کمالی سروستانی، ۱۳۹۴) نیز این اثر تاریخی رازی بررسی شده است. در این مقاله ضمن معرفی رازی و تنها نسخه خطی موجود در ایران از مثنوی عاشقانه عاقل خان رازی، به تأثیرپذیری او از نظامی و برخی جنبه‌های ادبی و محتوایی این اثر نیز پرداخته شده است.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. زبان فارسی در هند

اشتراک نژادی مردم ایران و هند، تهاجمات، مهاجرت‌ها، ارتباطات سیاسی، فرهنگی و مبادلات بازرگانی علاوه بر اینکه موجب نزدیکی مردم این دو سرزمین شده، سبب گسترش زبان فارسی در شبه‌قاره نیز شده است. ورود واژگان فارسی در زبان‌های هندوستان مانند هندی، پنجابی، سندی، بنگالی، گجراتی بر اثر احتیاج و یا تابع مقتضیات بوده؛ زیرا این زبان تا یک‌هزار سال زبان دولت دربار هندوستان بوده است. تشکیل دولت‌های اسلامی در هند یکی دیگر از عوامل مؤثر در نفوذ زبان فارسی و عربی در آن دیار است.

در قرن هفتم، هشتم و نهم هجری چند سلسله ایرانی از جمله غوریان، خلجیان، تغلقیان و پادشاهان سلسله اودی و بهمنیان (هم‌زمان با حکومت صفوی ایران) در نقاط مختلف هند سلطنت می‌کردند و در تقویت و گسترش زبان فارسی در هند نقش مهمی داشتند (امیری، ۱۳۷۴: ۱۸). علاوه بر این، بر اثر قتل و غارت مغول در ایران، عده کثیری از ایرانیان به هند پناهنده شدند که در میان آن‌ها فضلا و علمای ماوراءالنهر خراسان هم بودند. با ورود آن‌ها دامنه زبان فارسی در هند گسترده‌تر شد و مراکزی برای ترویج زبان و ادب فارسی به وجود آمد. ظهور دو نابغه شعر، امیر خسرو و حسن دهلوی، که سایر سخنوران فارسی زبان هند را تحت‌الشعاع قرار دادند و در دوره‌های بعد هم در شاعران ایرانی و هندی نفوذ دامنه‌داری داشتند، به این گستردگی کمک بسیاری کرد (سدارنگانی، ۱۳۴۵: ۱۷-۱۸). دوران سلطنت اکبرشاه (۱۶۰۵-۱۵۵۶م) دوران طلایی ادبیات فارسی هندی است به طوری که نام پنجاه شاعر برجسته فارسی‌گوی دربار اکبرشاه ثبت شده است. ارتباط سلاطین گورکانی و پادشاهان صفوی و ازدواج شاهزادگان ایرانی با شهریاران گورکانی، موجبات ایجاد روابط سیاسی، اجتماعی، ادبی و فرهنگی و نفوذ هرچه بیشتر زبان و ادبیات فارسی در هند را فراهم کرد.

## ۲-۲. ادب غنایی و داستان‌های عاشقانه

ادب غنایی در اصل اشعاری است که احساسات و عواطف شخصی را مطرح می‌کند. این گونه اشعار، که کوتاه بود، در یونان باستان با سازی به نام «لیر» نواخته می‌شد و از این رو در زبان‌های فرنگی به اشعار غنایی لیریک (Lyric) می‌گویند. در اروپا «تروبادورها» و در ایران «عاشوق»ها و خنیاگران، روستاییان و شبانان حافظ این سنت بوده‌اند و این گونه اشعار را با همراه با موسیقی می‌خواندند. رشد کیفی این نوع شعر با مدنیت و ارتقای جامعه رابطه مستقیم دارد. این نوع ادبی همگام با شکل‌گیری جوامع و ترقی آن‌ها سیر صعودی داشته است. منظومه‌های غنایی اشعاری است که برای بیان احساسات انسانی از عشق و دوستی و مکاره و نامرادی‌ها و هرچه روح آدمی را متأثر می‌کند، پرداخته آمده و همواره نظر شاعر آن بوده است که با موسیقی و ترنم و آواز یا زمزمه‌ای که در آن آهنگی باشد توأم گردد (نک: صورتگر، بی تا: ۶۷).

## ۳-۲. ادب غنایی در هند

شاید در ادبیات هیچ ملتی به اندازه هند، عشق به معنی عملی آن تا این حد رسوخ و نفوذ نداشته باشد و شاید در هیچ نقطه‌ای از جهان تمدن، نقش‌هایی چون نقش‌های برجسته خاجوراهو که در آن نه تنها پیکره‌های برهنه انسان بلکه نحوه اجرای اعمال جنسی نیز مجسم شده است، موجود نباشد. «به نظر می‌رسد که شعر غنایی هند از سده اول قبل از میلاد به این طرف از رواج و تکامل بیشتری برخوردار بوده است. در قرن اول میلادی شاعری به نام Gunnadhya دوبیتی‌هایی با عنوان Britkatha داستان عشقی بزرگ، سرود» (سعیدیان، ۱۳۵۳: ۴۱۷). از میان مهم‌ترین پیشوایان فن غنایی سرایی در هند به «کالیداسا» (حدود ۵۰۰-۳۵۰م) و «جایادیوا» (حدود ۱۲۰۰م) که اشعار غنایی درام‌گونه دارند، می‌توان اشاره کرد (واردی، ۱۳۷۸: ۲۹).

عاقل خان رازی خاک هند را عشق‌پرور می‌خواند و زهد و تقوا را در آن محال می‌داند:

هند مجموعه جمال بود	زهد و تقوا در آن محال بود
خاک او دودرنگ آتش خیز	باد او مثل آه سوزان گیز
از سوادش دلت سودایی	بر بیاضش دوید شیدایی
همه بر ناز و با نیاز همه	همه معشوق عشق‌باز همه

(رازی، ۱۳۸۸: ۴)

ادبیات و هنر هند در دوران اسلامی نیز از تأثیر و نفوذ عشق و عواطف انسانی برکنار نماند و شاهنامه‌هایی با نقاشی اروتیک پدید آمد و کتاب‌های بسیاری درباره امور جنسی تصنیف و تألیف شد که همه ترجمه و یا اقتباس از ادبیات و هنر بومی هند بود. بدون شک این بی‌پردگی، ریشه‌های باستانی دارد و مربوط به عصر هند و آریایی‌های باستان است. اوج داستان‌پردازی در ادبیات فارسی در ایران مربوط به دوره صفویه است و در این عهد به سبب ویژگی‌های خاص و آمیختگی فرهنگی بین ایران و شبه‌قاره هند و دیگر عوامل اجتماعی توجه ویژه‌ای به داستان‌پردازی شده است. شبه‌قاره بزرگ هند همواره خاستگاه بسیاری از افسانه‌های رایج و قصه‌ها بوده و نقش مهمی در آموزش و پرورش مردم آن دیار داشته است. از طرف دیگر این شبه‌قاره، خاستگاه ادیان بزرگی چون بودایی، هندویی و فرقه جین است که کتب دینی آن‌ها را داستان و حکایت تشکیل می‌دهند. در اغلب داستان‌های عاشقانه منظوم هند جز محتوای برخی داستان‌ها که تأثیر آیین‌های هندی را در آن‌ها می‌توان به خوبی مشاهده کرد، تأثیر عمیق ادب فارسی و فرهنگ غنی آن را در تلمیحات فارسی و عربی و نیز پیروی از بحر، وزن و قالب شعری نظامی می‌توان دید. این منظومه‌ها تقریباً از یک اصول ثابت تبعیت می‌کنند و از لحاظ ساختار درونی دو عنصر روایت و توصیف در آن‌ها حاکم است و شاعر در بخش روایی معمولاً به خطی مستقیم پیش می‌رود و زیبایی کم‌وبیش ساده‌ای را به کار می‌گیرد؛ اما در بخش توصیفی، تمام تبحر کلامی خود را در استعارات و صنایع لفظی به نمایش می‌گذارد. تک‌گویی، گفت‌وگو (اغلب به شکل نامه) و اندرزهای شاعر و... از عناصر دیگر این منظومه‌ها هستند (نک: یلمه‌ها، ۱۳۹۲: ۸).

داستان پدماوت یکی از افسانه‌های باستانی هند است که پس از حمله علاءالدین خلجی به قلعه چتور در بین مردم شهرت یافته است. ملک محمد جاییسی اولین سراینده این داستان در سال ۹۴۷ هجری به زبان هندی بوده است و این سروده از آثار ارزشمند آن دیار محسوب می‌شود. پدماوت شامل دو بخش است: بخش اول، بخش عاشقانه؛ داستان دلداگی پدماوت و رتن سین و ازدواج آنها و بازگشت به چتور سرزمین رتن و بخش دوم، بخش تاریخی؛ لشکرکشی علاءالدین خلجی به چتور، مرگ رتن و خودکشی پدم.

بعد از جاییسی، عبدالشکور بزمی (۱۰۰۱-۱۰۷۳ق) و پس از او میرعلی عسکری عاقل خان رازی حاکم و فرمانده قلعه شاهجهان‌آباد این داستان را در سال ۱۰۶۹ هجری به نظم درآورد و آن را شمع و پروانه نامید. پس از شمع و پروانه رازی، این افسانه هندی را شاعران و نویسندگان هند و پاکستان به نام‌های رت پدم، تحفةالقلوب، هنگامه عشق، حسن و عشق، بوستان سخن، پدماوت و رتن سین، پدماوتی و رتن سین، تصویر محبت و پدمنی نیز به نظم و نثر درآورده‌اند.

### ۳. معرفی میرعسکرعلی عاقل خان رازی و آثارش

رازی خوفافی (ye.xa.fi-Ra.zi) میرعسکر علی، ملقب به عاقل خان فرزند محمدتقی در اورنگ‌آباد (۱۰۲۶-۱۱۰۸ق) به دنیا آمد. وی دولتمرد، تاریخ‌نگار و شاعر ایرانی تبار و فارسی‌گوی شبه‌قاره و از سادات خوفاف بوده است.

به هندوستان اگر هستم سخن‌باف      ولیکن تار و پودم هست در خوفاف

اجدادش از نژاد ایرانی بودند که در قریه‌ای به نام «خوفاف» در خراسان زندگی می‌کردند. دو پسر به نام‌های عبدالحی و قیوم و یک دختر داشته که همسر نواب شکرالله‌خان از عمال دولتی بوده است. نزد میرزا بیدل دهلوی ارج فراوانی داشته و او غزلی در تاریخ وفات عاقل خان سروده است که هر مصراعش تاریخ است.

وای پیوند سخن‌سنگان نماند      تکیه‌گاه صاحب عرفان نماند  
مجمع استاد بی‌شیرازه شد      مهدی جمجاه عاقل‌خان نماند

عاقل‌خان از عهد شاهزادگی اورنگ‌زیب به دربار راه یافت. در سال ۱۰۴۷-۱۰۸۱ق، استاندار دهلی شد و به‌طور کلی ملازمتش ۴۹ سال طول کشید. تخلصش رازی<sup>۲</sup> بوده، چنان‌که خود می‌گوید:

تخلص بهتر از رازی چه خواهی      چو باشد مرشدت راز الهی

(رازی، ۱۳۸۸: نقل از عامر در مقدمه دیوان)

سبک شاعر متمایل به سبک‌های خراسانی، عراقی و هندی است و در غزل‌ها بیشتر به سبک عراقی گرایش دارد. شاعر کم‌گویی است که غزلیاتش نقطه عطف و قوت دیوان اوست. در میان مثنوی‌های او، ساقی‌نامه به‌نظر پخته‌تر است. از حیث محتوا و اعتقاد شاعری است مقید به اخلاق و مسلمانی و با باده و باده‌گساران سر ستیز دارد.

چیست دانی باده؟ ابلیس مظل را یاوری      چهل را پروردگاری فسق را پیغمبری

از جهت اعتقادی شیعه و رهرو ولایت مولا علی<sup>(ع)</sup> و فرزندان اوست.

ای مبتدع از شائبه بغض بود پاک      هر دل که در او دوستی شاه نجف شد  
امروز روز قتل شهیدان کربلاست      از دیده جای اشک اگر خون رود رواست

«به نظر می‌رسد که بیش از هر شاعر دیگری تحت‌تأثیر مثنوی و غزلیات شمس مولوی و

نظامی به‌خصوص خسرو و شیرین است» (رازی، ۱۳۸۸: ۲۸-۳۲ مقدمه دیوان).

خداوندا شبیم را روز گردان      چو روزم بر جهان پیروز گردان

مؤلف *سفینه‌الشعرا* و صاحب *مآثر الامرا*، هر دو به تأثیرپذیری عاقل‌خان از مولوی اشاره

کرده‌اند:

من مستم و دیوانه هوشیار نخواهم شد      در طرب تو را دیدم بیدار نخواهم شد

من دل به کسی دادم بیدار نخواهم بود      کاری عجیبی کردم بیکار نخواهم شد



در سلسله زلفش دیوانه دلم گم کرد      زنجیر اگر این است هوشیار نخواهم شد  
(رازی، ۱۳۸۸: ۱۳)

در غزل تحت تأثیر زبان حافظ است. ۱۳۵ غزل دارد که در برخی از آن‌ها تبعیت از وزن و قافیه و حال و هوای غزلیات حافظ دیده می‌شود. غزلیاتش بیشتر به سبک عراقی است اما در سبک هندی و تا حدودی خراسانی نیز تفنن‌هایی کرده است (قزوه، ۱۳۸۸: ۲۸-۳۲ مقدمه دیوان).

صبا بگو ننگه آموز چشم لیلا را      خرابه گرد چو مجنون تو کرده‌ای ما را  
همه ز عشق تو داغند و کس نمی‌داند      چه سوز بود که یک داغ سوخت دل ما را

### ۱-۳. آثار عاقل خان رازی

- مثنوی مهر و ماه یا منوهر و مدهمالت که داستانی عاشقانه است و در مثنوی شمع و پروانه از آن یاد کرده است.

پدم از آتش رتن سوزد      سوز نل خرمن دمن سوزد  
آنچه مدمالت از منوهر دید      دیده مهر و ماه یکسر دید  
(رازی، ۱۳۸۸: ۷۰)

- مثنوی شمع و پروانه یا *تپه ماوت* یا *سوز و گداز*

- مثنوی مرقع که عرفانی است و به تقلید از مثنوی معنوی مولوی در ۳۵۰۰ بیت سروده شده است. این مثنوی آمیخته با حکایات و تمثیل‌هاست.

ایها الساقی افتنی فی المنام      اسقنی من جرعة الکأس الکرام...  
بود در هندوستان دل خسته‌ای      خسته‌ای از بند دنیا رسته‌ای  
هر غریبی کامدی از راه دور      یافتی از تکیه‌گاه او حضور  
بود اوها نام آن آزاد مرد      عشق با آن ناتوان پیکر چه کرد

- دیوان شامل غزلیات، ترجیع‌بند، ساقی‌نامه، خماری‌نامه، مرثیه‌ها، مقطعات، وصف اهل بیت و چند شعر متفرقه.

- وقایع علمگیر یا واقعات عالمگیری در تاریخ: این کتاب مربوط به ابوالمظفر محیی‌الدین محمد اورنگ‌زیب بهادر عالمگیر، پادشاه غازی است. از نکات مورد توجه این اثر وجود ابیات بسیاری از شاعران ایرانی در آن است. بخش‌های مختلفی از جمله حکایت در بیان ولادت آن مهر سپهر عظمت، گفتار در تبیین صفت بعضی از سوانح و مقدمات ظهور اسباب مقاصد و طلوع نیر اقبال جهان‌پناهی از فضل حضرت باری تعالی عز اسمه، والا مناشیر که حسن اندراج یافته بود و... دارد.

- ثمرات الحیات در ملفوظات شاه برهان‌الدین.

- کشکول.

- رساله امواج خوبی (در تصوف) که در دسترس نیست.

- گل و بلبل رساله‌ای به نثر که در دسترس نیست.

- نعمات العشق یا نعمات الرازی (در تصوف).

#### ۴. معرفی مثنوی‌هایی به نام شمع و پروانه

در فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی، دوازده مثنوی عاشقانه به نام شمع و پروانه معرفی شده است: شمع و پروانه اهلی شیرازی، شمع و پروانه مصباح‌القلوب امیر امین‌الدین نزل‌آبادی سبزواری قرن نهم، شمع و پروانه عبدالله شبستری اواخر قرن نهم و دهم، شمع و پروانه ضمیری همدانی قرن دهم، شمع و پروانه مولانا خاکی بلخی معروف به سروش بلخی قرن دهم، شمع و پروانه کمال‌الدین تاشکندی قرن دهم، شمع و پروانه تیمورازیکم از شاعران قفقاز (۹۹۸-۱۰۷۴ق)، شمع و پروانه محمد مهدی واصف (۱۲۵۸ق)، شمع و پروانه علی‌اکبر رضی، شمع و پروانه به نثر با نویسنده نامعلوم، شمع و پروانه فرح‌بخش لچهمی رام، شمع و پروانه میرعسکر معروف به عاقل‌خان رازی (باباصفری، ۱۳۹۲: ۳۰۴-۳۰۸).

## ۵. نسخه‌های شمع و پروانه عاقل خان رازی

۱-۵. نسخه کتابخانه دانشگاه پنجاب؛ شماره ۲۴۰۶/۵۷۲۴

۲-۵. نسخه کتابخانه مرکز بین‌المللی میکروفیلم نور دهلی؛ شماره ۱۴۲

۳-۵. نسخه موزه انجمن آسیای کلکته؛ شماره ۸۱۱؛ تعداد برگ: ۴۶؛ تعداد عنوان: ۲۵؛

تعداد بیت: ۲۳۱۱

این اثر در کتابخانه شامان اوده به شماره ۴۶۹ و کتابخانه اندیا آفیس به شماره ۱۶۳۴ و

۲۵۱۵ نیز موجود است.

۴-۵. نسخه کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی، علیگر؛ شماره کتاب: ۷؛ شماره

میکروفیلم: ۳/۱۴۱

موضوع: منظومه

شماره کتابخانه: Uni v.۵۵.۲

نام کتاب: مثنوی پدماوت

نام مؤلف: عاقل خان ازی

نام کاتب: نونیت رای هرهریکرن

تاریخ کتابت: سال ۲۹ جلوس اورنگ زیب (۱۰۹۷-۱۰۹۸ق/۱۶۸۵-۱۶۸۶م)

نوع خط: نستعلیق برگ: ۱۰۴ سطر: ۱۲

زبان: فارسی

آغاز:

ای فرازنده رواق سپهر      وی طرازنده [...] سپهر

توضیحات: صفحه اول ناقص است.

۵-۵. نسخه کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی، علیگر؛ شماره کتاب: ۳۸۷؛ شماره

میکروفیلم: ۳/۱۴۱ موضوع: منظومه

شماره کتابخانه: Per.Univ ۲.۵۵

نام کتاب: مثنوی پدماوت

نام مؤلف: عاقل خان رازی

نام کاتب: نونیت رای هرهریکرن

تاریخ کتابت: سال ۲۹ جلوس اورنگ زیب (۸-۱۰۹۷ / ۱۶۸۵-۶ م)

نوع خط: نستعلیق برگ: ۱۰۴؛ سطر: ۱۲؛ زبان: فارسی

علاوه بر نسخه‌هایی از مثنوی شمع و پروانه رازی که تصویر صفحه اول آن‌ها در این مقاله آمده، نسخه‌های دیگری نیز با این مشخصات معرفی شده است:

۶-۵. نسخه خطی به شماره ۵۷۲۴/۲۴۰۶ کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور (دانشنامه، ج ۴).  
۷-۵. نسخه خطی به شماره ۸۱۱ انجمن آسیای کلکته. ۴۶ برگ و ۲۳۱۱ بیت و ۲۵ عنوان دارد. این اثر در کتابخانه شامان اوده به شماره ۴۶۹ و کتابخانه اندیا آفیس به شماره ۱۶۳۴ و ۲۵۱۵ نیز موجود است.

۸-۵. نسخه خطی کتابخانه پیربور شهرستان فیض آباد (u.p) (بزمی، ۱۳۵۰: ۱۴).

۹-۵. نسخه خطی به شماره ۶۱۷ کتابخانه موزه سالار جنگ حیدرآباد آتن (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۹۸).

۱۰-۵. شمع و پروانه نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی؛ نسخه موجود در ایران.

شماره: ۵۲۲۳۳

تاریخ کتابت: قرن ۱۳ق

نام کتاب: شمع و پروانه = پدماوت و رتن = پدماوت

مؤلف: میرعسکرعلی عاقل خان رازی

کاتب: کمال‌الدین

خط: نستعلیق

تعداد صفحه: ۷۰

تعداد سطر در هر صفحه: ۱۷

اندازه: ۲۰/۵

نوع جلد: تیماج فرنگی قهوه‌ای کم‌رنگ

نوع کاغذ: نخودی آهار مهره

فهرست مشترک: ۴/۲۱۷۵

توضیحات شناسنامه نسخه: اوراق رطوبتی، آسیب‌دیده از حشرات یا وصالی شده، نوشته‌ها نیز بر اثر آسیب‌دیدگی و کرم‌خوردگی بعضاً از بین رفته و سوراخ شده است. عاقل‌خان در این مثنوی، خود را اولین مترجم سروده جایسی می‌داند و از ترجمه بزمی بی‌خبر بوده است.

سال هجرت هزار و شصت و نهم  
لیک این داستان نگشت کهن  
مثل افسانه گشت گوش به گوش  
به عبارات هندی‌ش بساخت  
نقش بر لوح فارسی بسته  
(رازی، ۱۳۰۰: ۷۰)

هست اکنون ز دور به طارم  
هشتمد سال شد ز عشق رتن  
مدتی این حدیث دردنیوش  
دردمندی به غم قلم برداشت  
بعد ازو کلک این طبع این خسته

مثنوی شمع و پروانه با حمد و ستایش، نعت پیامبر<sup>(ص)</sup> و معراج، ذکر چهار خلیفه و توصیف عشق آغاز می‌شود. شاعر بعد از ذکر هر عنوان و قبل از ادامه داستان بیت‌هایی را در عشق، شکایت از دنیا، کینه‌خواهی چرخ و... می‌آورد. او در چند بیت به تخلص خود اشاره می‌کند.

بیت آغازین:

وی طرازنده سپهر به مهر

ای فرازنده روان سپهر

بیت پایانی:

### تمام شد کتاب شمع و پروانه یعنی پدماوت به روز یکشنبه

این مثنوی در هفتاد صفحه، در هر صفحه دو ردیف هفده‌بیتی (جز در ردیف اول صفحه اول که یازده بیتی است) تنظیم شده و در مجموع ۲۳۷۴ بیت است. خوانش صحیح نسخه حاضر در کتابخانه آستان قدس رضوی به دلیل آسیب دیدگی از رطوبت و حشرات در بعضی از صفحات به خصوص در ابتدای مصراع‌های اول و اغلب در قافیه مصراع‌های دوم دشوار است و تصحیح انتقادی و چاپ آن در صورت دستیابی به نسخه‌های حاضر و نزدیک به عصر شاعر می‌تواند در معرفی و بررسی کامل اثر مؤثر باشد.

### ۱۰-۱. گزارش داستان شمع و پروانه

کندرب‌سین پادشاهی عادل در هند دختری به نام پدمنی داشت؛ دختری بسیار زیبا که در پنج‌سالگی او را برای علم‌آموزی به برهمن سپرد. او طوطی‌ای به نام هیرامن داشت که روز و شب همراهش بود و آموخته‌ها را با او تلقین می‌کرد. همدانش حسد بردند و قصد کشتنش را کردند. روزی که پدم با دوستانش به صحرا رفت قصد جان طوطی را کردند. طوطی فرار کرد و در دام صیادی افتاد و بازرگانی از خطه چتور او را خرید و به رتن‌سین - شاه آن دیار - داد. ناگه‌تی همسر شاه با شنیدن توصیف زیبایی‌های پدم از طوطی و حسادت زنانه خواست او را بکشد. دایه طوطی را پنهان کرد و طوطی در فرصتی از زیبایی‌های پدم برای شاه گفت و شاه عاشق پدم شد و ترک دیار و تخت شاهی کرد و جوکی شد و همراه با دوستانش راهی دیار معشوق شد و طوطی را هم با خود برد. پس از ماجراهای بسیار طوطی وارد قصر پدم شد و زیبایی‌های شاه را برای او گفت. با توصیفات طوطی پدم نیز عاشق شاه شده، برای دیدن رتن به بتخانه می‌رود و او را درحالی که خوابیده می‌بیند. رتن برای دیدار پدم به قصر او می‌رود و پس از ماجراهای بسیار و درگیری‌های فراوان، پدر پدم با ازدواج آن‌ها موافقت می‌کند و پس از مدتی آن‌ها در حال بازگشت به چتور دچار طوفان

در دریا می‌شوند و نجات پیدا می‌کنند و به سرزمین رتن می‌رسند. رتن برای همسرش و پدم قصری جداگانه در آنجا می‌سازد و به خوشی زندگی می‌کند تا اینکه برهمنی که از ملک رتن اخراج شده بود از زیبایی‌های پدم برای علاءالدین شاه می‌گوید و او نیز عاشق پدم می‌شود و برای دست یافتن به او به سرزمین رتن لشکرکشی می‌کند و از او می‌خواهد از عشق پدم کناره‌گیری کند و رتن نمی‌پذیرد و در عشق پدم پافشاری می‌کند. رتن را شاه زندانی می‌کند و پدم به ملاقات او رفته، پس از اظهار عشق و پیمان وفاداری بازمی‌گردد. پس از این ماجرا رتن در جنگ آسیب سختی می‌بیند و پدم با دیدن او در لحظات آخر زندگی، به عشق او جان می‌سپارد.

#### ۲-۱۰-۵. محتوای مثنوی شمع و پروانه

در این مثنوی عاشقانه نیز مثل اغلب عاشقانه‌ها، قهرمانان داستان از طبقه بالای جامعه هستند. توصیف زیبایی‌های معشوق از راه شنیدن، آغازگر عشق است. در راه وصال دشواری‌های بسیاری سر راه عاشق قرار دارد. طوطی مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری و شروع این داستان عاشقانه دارد. عشق مثلی در این داستان نیز مانند اغلب داستان‌های عاشقانه هندی نشان داده می‌شود. توصیف زیبایی‌های سراپای معشوق، شرح زفاف همانند دیگر عاشقانه‌ها مکث‌های طولانی در ادامه داستان ایجاد کرده است. در سستی‌نامه‌ها معشوق پس از مرگ عاشق با اجرای آیین سستی به مرگی خودخواسته تن می‌دهد و زنده در آتش می‌سوزد و یا از شدت اندوه کنار جسد او می‌میرد. در بعضی دیگر از این داستان‌های عاشقانه عاشق و معشوق با هم در آتش می‌روند. این داستان با مرگ عاشق و معشوق پایان می‌یابد.

#### ۳-۱۰-۵. درون‌مایه داستان

درون‌مایه اصلی داستان عشق است و با اینکه شاعر در جای‌جای مثنوی خود به آن اشاره می‌کند و آن را آزادکرده شرح می‌داند، از همان آغاز داستان از سرد شدن هنگامه عشق در عصر خود می‌گوید و تنها عشق را ماندگار می‌داند:

عشق در کفر و دین کرانه بود	گرچه این شیوه کافرانه بود
عشق اصل است و مابقی فرع است	عشق آزاد کرده شرع است
قلم امر و نهی زو مرفوع	عشق امری است جایزالممنوع
(همان: ۵)	
شده کبریت سرخ‌چهره زرد	گشته هنگامه محبت سرد
(همان: ۴)	

#### ۵-۱۰-۴. موسیقی شعر

موسیقی بیرونی: بحر خفیف مسدس مخبون اصلم وزن فاعلاتن مفاعلهای فن  
موسیقی کناری: ردیف در بیشتر ابیات شمع و پروانه آمده و اغلب یک‌کلمه‌ای و در مواردی دو یا سه‌کلمه‌ای است. در قافیه چند بیت (ص ۲۰-۴۹) اشکالاتی وجود دارد که به نظر می‌رسد از کاتب اثر باشد. شاعر در مواردی در قافیه، جناس تام آورده است.  
موسیقی درونی: انواع جناس‌ها، تکرار واژه و هم‌حروفی در بیشتر ابیات وجود دارد و تکرار واژه نسبت به دو مورد دیگر، بیشترین بسامد را دارد.

#### ۵-۱۰-۵. ویژگی‌های واژگانی

استفاده از واژگان و آداب و سنن و باورهای هندی در این مثنوی، علاوه بر اسم‌های خاص اشخاص و اماکن از جمله رتن، پدم، کندرسین، ناگمتی، هیرامن، چنپاوت جوک، دیوبال، چنتور، سرهره و...، آداب و سنن مربوط به ازدواج، تقسیم‌بندی زنان به چهار دسته هستنی، سنکنی، چترنی و پدمنی و توصیف خصوصیات جسمی و خلق و خوی آن‌ها و نامرغوب دانستن دو دسته از آن‌ها نیز آمده است. از موضوعات جالب دیگر در این مثنوی تقسیم‌بندی روزهای هفته بر اساس سعد و نحس بودن آن‌ها برای سفر است. در این بخش شاعر چهار جهت اصلی را مطابق با روزهای هفته برای سفر خوش‌یمن یا بدیمن معرفی می‌کند.



### ۶-۱۰-۵. ویژگی‌های املائی

نشان دادن کسره با های غیرملفوظ، ث به جای س (مسل به جای مثل)؛ نشان دادن ضمه با واو؛ جدانویسی بخش دوم کلمات مرکب و...؛ این موارد معلوم نیست مربوط به کاتب است یا مؤلف و یا شیوه املانویسی آن دوره، که در تطبیق نسخه‌ها شاید بتوان دقیق‌تر این موارد را بررسی کرد.

### ۷-۱۰-۵. اصطلاحات موسیقی، شطرنج و نرد، صرف و نحو، دینی و...

در این مثنوی، در طول داستان اصطلاحات بسیاری به کار رفته است که به مواردی اشاره می‌شود:

#### موسیقی

شرری ز هند در دل اندوزم	ز آتش فارس شعله‌افروزم
بو که سازم به پرده عشاق	نغمه هند تا نوای عراق

(همان: ۵)

#### شطرنج و نرد

تا بیند فلک ز تاب‌سازی	به چه منصوبه می‌کند بازی
رخ به بازی نهاده مات کند	اسب داده پیاده مات کند

(همان: ۵۷)

#### صرف و نحو عربی

عشق امری است جایز الممنوع	قلم امر و نهی زو مرفوع
---------------------------	------------------------

(همان)

#### عرفانی و دینی

پدر و مادرش چو اهل وفا	داد او را رضا به حکم قضا
------------------------	--------------------------

سجده شکر حق به جا آورد      ره سوی قبله دعا آورد  
(همان: ۴۱ و ۴۴)

#### مسیحیت

شده از درد، دیر منزل او      دیر و ناقوس سینه دل او  
عارفان را مظاهر زنار      عاشقان را مراد دل یک بار  
(همان: ۱۸)

#### ۵-۱۰-۸. تصویرهای شعری و صنایع ادبی

#### بیان

تشبیه: پرکاربردترین آرایه ادبی در این مثنوی است و در بیشتر موارد به شکل تشبیه بلیغ به کار رفته است. در اینجا تنها به ذکر نمونه‌هایی از آن‌ها اکتفا می‌شود: قلعه‌بند غم، شاهراه نیاز، کاروان هوس، دام بلا، مرغ جان، زنجیر صبر، شعله عشق، همای خیال، طوطی روح، سیل گریه، ساحل مقصود، آتش افروز عشق، بحر عشق، پلنگ بلا، طشت خور، توسن شوق، مرغ خیال، لنگر غم‌ربای دل، دشنه فتنه، لشکر غم.

راه‌پیمای کوی یار شود      بر پلنگ بلا سوار شود  
چه دهی دل به آرزوی محال      چه نهی دام بر همای خیال  
(همان: ۱۶)

استعاره: بیشتر استعاره‌ها در این مثنوی از نوع مصرحه و در مواردی مکنیه و از نوع جان‌بخشی است. برخی از آن‌ها: صنم، نرگس، آهو، ماه، مهر، بادام، سرو، خسرو شرق، شمع، پروانه، شمشاد.

بیدخوان برهنه به همراهش      راه نظاره بست بر ماهش  
(همان: ۳۲)

کنایه: در چهار یا پنج بیت کنایه آمده است.

طشتِ خور بر زمین ز بام افتاد	روز در دام تیره شام افتاد
(همان: ۲۷)	
راهرو نعل چون بر آتش داشت	بی توقف به ره علم برداشت
(همان: ۴۰)	
تخته او بروی کار او افتاد	پرده از کار پرده دار افتاد
(همان: ۶۰)	
گفت کای از تو رنگ یافته روی	آمد آب رفته باز به جوی
(همان: ۶۶)	
تیشه فرهاد مست بر سر زد	ماند شیرین و دست بر سر زد
(همان: ۶۸)	

### صنایع بدیعی

از صنایع معنوی بدیع بیشترین کاربرد را در این مثنوی، تلمیح، تناسب، تضاد و اغراق دارند. در این مثنوی، تلمیحات قرآنی، ایرانی، عربی و تاریخی از جمله معراج، یوسف، سلیمان، منصور، اسکندر، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، سام، رستم، بهرام گور، قیصر بسیار دیده می شود.

آنکه تا دار ساخت چون منصور	وانکه بی داروگیر شد منصور
(همان: ۲۹)	

از صنایع لفظی نیز انواع جناس (در مواردی تام و اغلب ناقص)، تکرار واژه و هم حروفی در این مثنوی زیاد به کار گرفته شده است.

### ۹-۱۰-۵. تأثیرپذیری رازی از نظامی

اشاره به قهرمانان عاشقانه های نظامی در شمع و پروانه

عشق مطرب و دزد و قانون است	تا ز زنجیر صبر مجنون است (رازی، ۱۳۰۰: ۱۵)
من چو در کار عشق مجنونم	گرچه مرغم به کار مشغولم (همان: ۳۶)
خواند طومار غم ز فسون	یافت مجنون صحیفه‌ای ز جنون (همان: ۵۰)
عشق شیرین چو گشت سینه‌خراش	مثل فرهاد گشت سنگ‌تراش (همان: ۵۴)
رفتم از خانه با دل پر خون	سر به صحرا نهاده چون مجنون (همان: ۶۲)
شده شیرین سوار بر شب‌دیز	بر قفای جنازه پرویز عشق خون‌ریز ریخته از کین (همان: ۷۰)
عشق را خانه‌ای است بی‌بنیاد	شیونی پر از اسرار فرهاد (همان: ۶۸)
ماند لیلی و قیس محمل بست	ماند مخمور و جام عیش شکست تیشه فرهاد مست بر سر زد (همان)

پوشیده‌گویی در شمع و پروانه با تأثیرپذیری از نظامی

قفل بگشاد با کلید چو دُر	لعل ازو ریخت کرد از دُر پر
گوهری داشت حقه‌ای می‌جست	حقه یافت پر ز لعل درست
راند الماس و سفت حقه سیم	پر گهر ساخت و فارغ از غم و بیم (رازی، ۱۳۸۸: ۳۳)

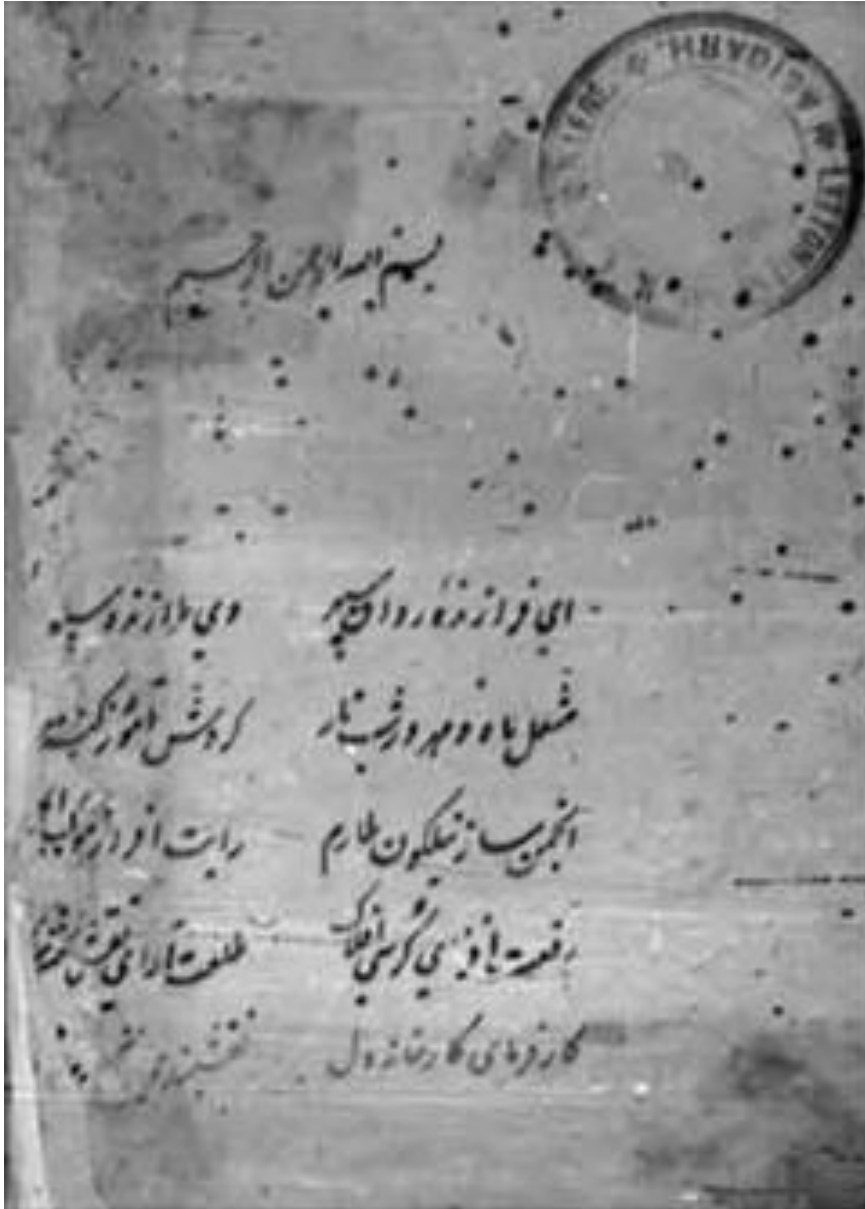
## ۶. نتیجه گیری

میر علی عسکر خان رازی (ye.xa.fi\_Ra.zi) ملقب به عاقل خان فرزند محمدتقی در اورنگ آباد (۱۱۰۸-۱۰۲۶) به دنیا آمد. وی دولتمرد، تاریخ‌نگار و شاعر ایرانی تبار و فارسی‌گوی شبه‌قاره و از سادات خواف بوده است. عاقل خان از عهد شاهزادگی اورنگ‌زیب به دربار راه یافت. در سال ۱۱۰۸-۱۰۴۷ق استاندار دهلی شد و به‌طور کلی ملازمتش ۴۹ سال طول کشید. مثنوی شمع و پروانه داستان عاشقانه‌ای است که شاعر از ترجمه پدماوت جایی سروده است. پدماوت از شاهکارهای ادب هند است که ترجمه‌های گوناگون و آزادی از آن به نظم و نثر فارسی نوشته شده است. عاقل خان در این مثنوی، خود را اولین مترجم این اثر معرفی کرده است، درحالی‌که اولین ترجمه از آن عبدالشکور بزمی است. این اثر در ۲۳ عنوان تنظیم شده است و تصویرهای زیبای شعری دارد. تأثیر خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی در توصیف‌های آن دیده می‌شود. استفاده از تلمیحات قرآنی، عربی و ایرانی و تکرار آن‌ها و کنایه‌های فارسی در منظومه قابل توجه است. این اثر تاکنون در ایران چاپ نشده و شش نسخه از آن در کتابخانه‌های هند و یک نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. نزدیک‌ترین نسخه به زمان سروده شدن منظومه، نسخه کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی، علیگر است که در سال ۲۹ جلوس اورنگ‌زیب کتابت شده است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. داستان‌های عاشقانه‌ای که پایان آن‌ها اجرای آیین سستی است.
۲. راز الهی عارفی به نام برهان‌الدین که به شیخ شطار معروف و در منطقه گجرات زندگی می‌کرده و مرشد عاقل خان بوده است

تصاویر



تصویر ۱: صفحه اول نسخه

کتابخانه: مولانا آزاد دانشگاه اسلامی، علیگر؛ جلد اول؛ موضوع: منظومه؛ زبان: فارسی؛ شماره کتاب: ۳۸۷



تصویر ۲: شماره صفحه مشخص نیست

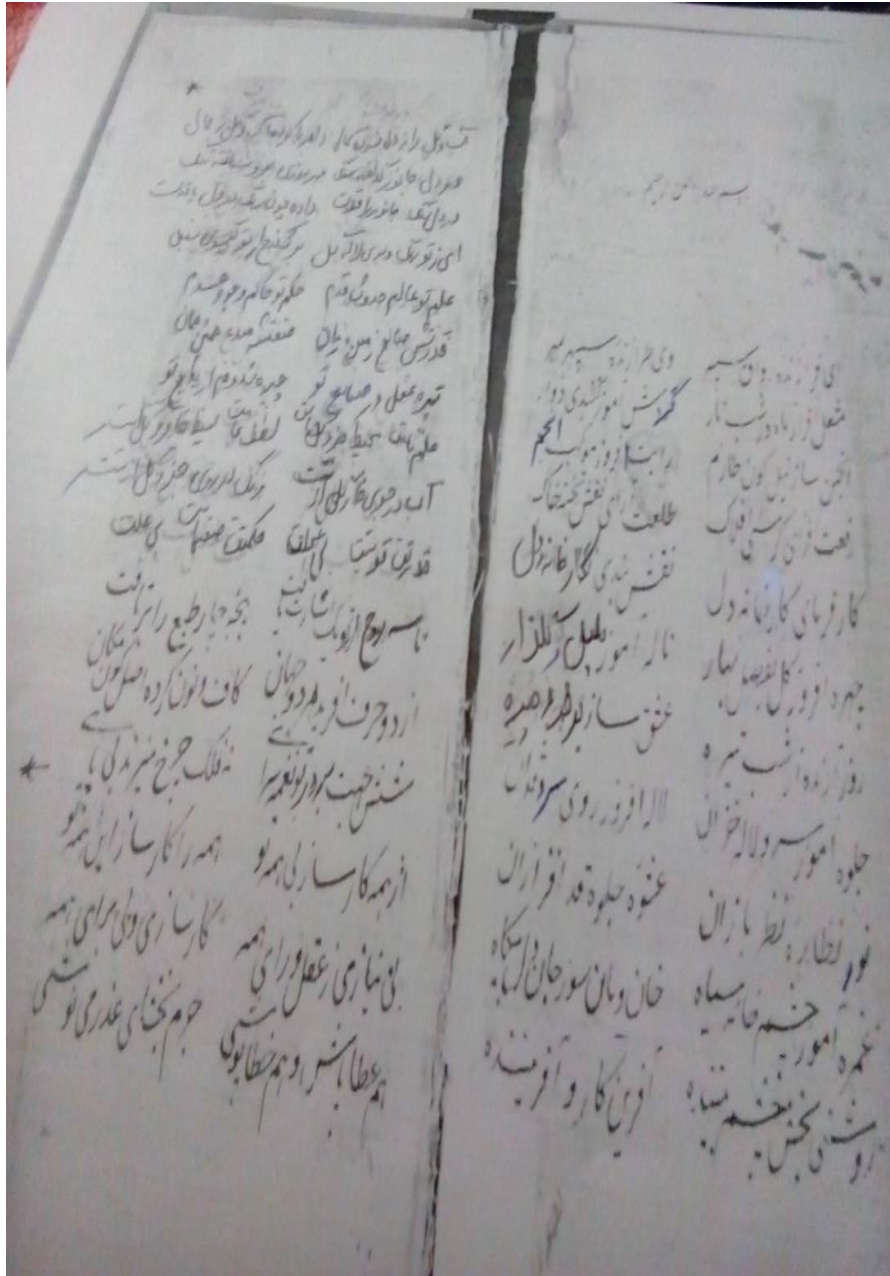
کتابخانه: مولانا آزاد دانشگاه اسلامی، علیگر؛ جلد اول؛ موضوع: منظومه؛ زبان: فارسی؛ شماره کتاب: ۳۷۶



تصویر ۳: صفحه اول نسخه

کتابخانه: کتابخانه مرکز بین‌المللی میکروفیلم نور دهلی؛ موضوع: منظومه؛ زبان: فارسی؛ شماره کتاب: ۱۴۲





تصویر ۴: صفحه اول نسخه

نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی؛ نسخه بررسی شده در این پژوهش

## منابع

۱. اکبری بنگر، رحیمه و کمالی سروستانی، خسرو (۱۳۹۴)، «نقد و بررسی کتاب واقعات عالمگیر»، فصلنامه نقد کتاب، سال دوم، شماره ۵، ۲۰۵-۲۱۲.
۲. امیری، کیومرث (۱۳۷۴)، زبان و ادب فارسی در هند، تهران: نشر شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
۳. باباصفیری، علی اصغر (۱۳۹۲)، فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۴. بزمی، عبدالشکور (۱۳۵۰)، پدماوت، امیرحسن عابدی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۵. خزانهدارلو، محمدعلی (۱۳۷۵)، منظومه‌های فارسی، تهران: روزنه.
۶. خوشگو، بندرابین داس (۱۹۵۹)، سفینه خوشگو، مطبوعه لیبیل لیتهو- رمه.
۷. دانشنامه ادب فارسی (۱۳۸۷)، «داستان‌سرایی فارسی در شبه‌قاره»، تهران: فرهنگستان.
۸. ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲)، فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی، تهران: چشمه.
۹. رازی خوافی، عاقل‌خان (۱۳۸۸)، دیوان، تصحیح محمد امین عامر و بازننگری و ویراستاری علیرضا قزوه، دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۵۴)، نقد ادبی، چ ۶، تهران: امیرکبیر.
۱۱. سدارنگانی، هرامل (۱۳۴۵)، پارسی‌گویان هند و سند، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۲. سرخوش، محمد افضل (۱۹۳۲)، تذکره سرخوش، تصحیح علی دلاوری، لاهور: نشر هیوایا.
۱۳. سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۵۳)، دایرةالمعارف ادبی، تهران: ابن سینا.
۱۴. صورتگر، لطفعلی (بی‌تا)، منظومه‌های غنایی ایران، تهران: نشر کتابخانه ابن سینا.

۱۵. عامر، محمدامین (۱۳۸۸)، **دیوان عاقل خان رازی**، بازنگری و ویراستاری علیرضا قزوه، دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی رازی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. لودی، شیر علی خان (۱۳۷۷)، **تذکره مرآة الخیال**، به اهتمام حمید حسنی با همکاری بهروز صفرزاده، تهران: روزنه.
۱۷. نواب صدیق، حسن خان (۱۳۸۶)، **تذکره شمع انجمن**، تصحیح محمدکاظم کهدویی. یزد: دانشگاه یزد.
۱۸. واردی، زرین (۱۳۷۸)، **بررسی شعر غنایی در محدوده قرن ششم تا هشتم هجری**، دانشگاه شیراز، استاد راهنما: منصور رستگار فسایی.
۱۹. واله داغستانی، علینقی (۱۳۸۴)، **ریاض الشعرا**، تصحیح محمد ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
۲۰. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۲)، **قصر بی‌قراری**، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.